**مقدمه:**

شناخت و آگاهی نسبت به فرهنگ مالیاتی حاکم بر جامعه برای سیاستگذاران،تصمصم گیران و مدیران کشور در امر برنامه ریزی از اهمیت بالایی برخوردار است .وجود یک فرهنگ پیشرو مالیاتی کمک قابل تئجهی به توسعه اقتصادی آن کشور می نماید از سوی دیگر مدیران با آگاهی و مطالعه عوامل در بر گیرنده ارتقای فرهنگ مالیاتی حاکم بر جامعه بهتر می توانند فرهنگ مالیاتی را مدیریت و توسعه دهند.تلاش در جهت ایجاد یک فرهنگ مالیاتی پیشرو وقوی در کشور،می تواند تاثیر مهمی در کاهش هزینه ها،افزایش در آمدهای دولت و ایجاد کنترلهای موثر داشته باشد که نتیجه آن افزایش عدالت اجتماعی و رفاه عمومی باشد .

با ایجاد یک نظام مالیاتی منسجم،اتکاء دولت به درآمدهای نفتی کم شده و بخش عظیمی از هزینه های جاری و عمرانی آن تامین می گردد که در این راستا تقویت فرهنگ مالیاتی امری ضروری به نظر می رسد .

امروزه ارائه با کیفیت در هر نوع وزمینه ای باشد،بسیار مهم می باشد واردات دولتی نیز از انواع سازمان هایی می باشند که همواره احتیاج به بهبود کیفیت خدمات خود دارند .تامین هزینه های عمومی کشورها همچون تامین امنیت،بهداشت و درمان،آموزش و.... نیازمند منابع مناسب و مستمر برای دولتها می باشد و مهمترین منبع درآمدی دولتها برای تامین این هزینه ها در جهان امروز مالیات است.این منبع (مالیات)در کشورهای پیشرفته و توسعه یافته اکثر قریب به اتفاق درآمدهای دولتها را تشکیل می دهد.اساس تکیه بر درآمدهای مالیاتی،که منبعی پایدار هستند،حکایت از سلامتی اقتصاد کشورها دارد .

**مروری بر ادبیات تحقیق**:

بنا بر نظر ویتو تانزی نیز در کشورهای در حال توسعه سطح فرهنگ مالیاتی پایین می باشد (وارتینک و همکاران ،2008).بنابراینلازم است مسئولان مالیاتی برای فرهنگ سازی و نهادینه کردن ارزشها و باورهای مناسب و مطلوب مالیاتی تلاش کنند.

در چند دهه اخیر به فرهنگ مالیاتی توجه ویژه ای شده است.علت افزایش توجه به فرهنگ مالیاتی در سالهای اخیر را می توان وجود نارسایی در نظام مالیاتی کشورها دانست . این نارساییها را می توان در سه گروه مشکلات فرهنگی،مشکلات قوانین مالیاتی و مشکلات اجرایی طبقه بندی کرد (راداو وادیم 1،2001)

فرهنگ مالیاتی خاص یک کشور را می توان به عنوان تمامی موسسات رسمی و غیر رسمی مرتبط با سیستم مالیاتی و عملکرد آن شامل وابستگیها و روابط ایجاد شده توسط تعاملات مداوم در نظر گرفت که از گروهها و عواملی مانند مسئولین مالیاتی ،مالیات دهندگان،سیاستگذاران ،کارشناسان مالیاتی و دانشگاهیان تشکیل شده است(بیرگر نر 2،2001)

به طور ساده فرایند فرهنگ مالیاتی را می توان به دو صورت بیان کرد:

اول:وجود دولتی قوی که نقشها و وظایف هر گروه را مشخص کند .

دوم:مالیات دهندگان که از قوانین مالیاتی و سیاستگذاران امور مالیاتی اثر می پذیرند.شومپیتر که از اقتصاد دانان کلاسیک است معتقد بود که باید فرهنگ مالیاتی را فقط برای درجه ای از پیشرفته بودن نظام مالیاتی به کاربرد. منظور شومپیتر از فرهنگ مالیاتی بر روی وضع کننده ها و ایجاد کننده های سیستم مالیاتی یعنی اقتصاد دانان و سیاستمداران مالیاتی متمرکز است (شامپتر ژوزف3،1950.).

اسپیتالر نیز بیان می کند که فرهنگ مالیاتی تحت تاثیر مسائل اقتصادی ،اجتماعی،فرهنگی،تاریخی،جغرافیایی،روانشناسی و تفاوتهای عمومی ومتداول دیگری در هر کشور و جامعه ای قرار می گیرد(اسپیتالر لاری4،1997).

میخائیل کامدسوس که از اقصاددانان گذار بود،اعتقاد دارد که باید با افزایش میل به پرداخت مالیات،شفاف سازی قوانین مالیاتی وآموزش این قوانین به بهبود فرهنگ مالیاتی پرداخت.وی اعتقاد داشت که عقاید جاری که در بین اقتصادهای در حال گذار از مفهوم فرهنگ مالیاتی وجود دارد فهم فرهنگ مالیاتی را منحصرا به طرف مودیان مالیاتی محدود می کند و طرف دیگر یعنی سیاستمداران و اقتصاد دانان مالیاتی را نادیده می گیرد(کامدسوس میخائیل 2،1997).

نری بیرگر تلاش نمود تا تعریف جامعی از فرهنگ مالیاتی را با در نظر گرفتن نظرات اقتصاد دانان دیگر ارائه دهد.اگر افراد باور کنند که پرداخت مالیات یک قانون و اصلاح اجتماعی است آنگاه آنها به طور شایسته مالیات خود را پرداخت خواهند کرد .بنابراین وجود هنجارهای اجتماعی وضع و پرداخت مالیات در کشور،به ایجاد عقاید عمومی مثبت در مورد پرداخت و وضع مالیات بستگی دارد .

از طرفدیگر،اگر فرار مالیاتی در یک کشور غالب شود آنگاه می توان نتیجه گرفت که هنجار اجتماعی پرداخت مالیاتی از بین رفته است (وارتیک وهمکاران 5،2008).

بیرگر سه عنصر مهم و تاثیر گذار بر فرهنگ مالیاتی را نام برد که این عناصر به هر دو بعد فرهنگ مالیاتی ،یعنی هم مودیان و هم سیاستمداران و قانون گذاران مالیاتی توجه دارند که عبارتند از:

**الف.وضیعت قوانین و سیستم مالیاتی کشور؛**

هرچه سیستم مالیاتی پیشرفته،نظام مند و کارآمدتر شود می تواند در ارتقای فرهنگ مالیاتی موثرتر باشد .

کشورهای توسعه یافته فرهنگ مالیاتی بالاتری دارند زیرا سیستم های مالیاتی در اکثر کشورهای در حال توسعه بر خلاف کشورهای توسعه یافته دارای مشکلات زیادی است که می تواند مانعی در جهت پیشرفت فرهنگ مالیاتی در این کشورها باشد.سیستم های مالیاتی کشورهای در حال توسعه مانعی در جهت پیشرفت فرهنگ مالیاتی این کشورها می باشد و شفاف سازی قوانین ،ساده و قابل فهم کردن آنها گسترش پایه های مالیاتی و مبارزه با فساد می تواند در جهت بهبود فرهنگ مالیاتی از طریق افزایش تمایل به پرداخت مالیات موثر باشد(بیر گر تر ،2001).

**ب:نقش سازمان امور مالیاتی ؛**

موثر بودن سازمان مالیاتی به سطح عدم تمرکز سیاسی و مالی و همچنین به میزان فساد اداری در هر کشور وابسته است.جمع اوری مالیات تحت عدم تمرکز سیاسی بسیار سخت تر از عدم تمرکز مالی است.زیرا در این مورد دولتهای ناحیه ای انگیزه قویتری در حمایت و جمع آوری مالیات دارند و عدم تمرکز مالی انگیزه را برای دولتهای ناحیهای به منظور کمک به بنگاههای اقتصادی در احتراز و اجتناب از پرداخت مالیات ها را کاهش میدهد(آلم1،2003).

ج:میزان همکاری مردم با سازمان مالیاتی و پرداخت داوطلبانه؛

بریگر معتقد است که سطح فرار مالیاتی واجتناب از پرداخت مالیات در کشورهای گوناگون متفاوت است.البته می توان مشارکت و تمایل به پرداخت مالیات را به وسیله ایجاد جو اعتماد بین مودیان مالیاتی و سازمان امور مالیاتی افزایش که طرح خود اظهاری یکی از راهای افزایش اعتماد بین مودیان و سازمان امور مالیاتی است .

از سوی دیگر نمی توان از نقش چشمگیر افزایش درآمدهای مالیاتی و وصول به موقع آنها در بهبود وضیعت اقتصادی کشور و ارتقای سطح اقتصاد چشم پوشی کرد بنابراین تا زمانی که مردم به سیستم مالیاتی اعتماد پیدا نکنند،نمیتوان انتظار تنظیم صحیح اظهارنامه مالیاتی و پرداخت به موقع مالیات را داشت .پس می توان اذعان داشت این مشکل صرفا از طریق ارتقای فرهنگ عمومی جامعه وبه تبع آن فرهنگ مالیایت یقابل حل خواهد بود(بیرگرنر،2001)

**پیشینه تحقیق:**

سه بعد از ابعاد فرهنگی هافستد بر سطح تمکین مالیاتی شرکتی تاثیر می گذارند،در واقع همانطور که انتظار داشتیم اجتناب بیشتر (کمتر) از عدم اطمینان و فاصله قدرت بیشتر(کمتر)با سطح پایین(بالا)تمکین مالیاتی شرکتی ارتباط دارند،در حالی که فرد گرایی بیشتر(کمتر) با سطح بالای(پایین) تمکین مالیاتی شرکتی رابطه دارد.همچنین نتایج نشان میدهد مرد گرایی کمتر(بیشتر)با تمکین مالیاتی شرکتی زیادتر (کمتر)در ارتباط است.(ملانظری /ابوحمزه/میرزایی عباس آباد95)

مالیات ناشی از اختیار مطلق دولت ها نیست بلکه امروزه قوانین مالیاتی در تمام یا اغلب کشورهای جهان به استناد مصوبات پارلمان کشورهای مربوطه تصویر می شود.پارلمان هایی که در کشورهای توسعه یافته بنا به درخواست و رای اکثریت مردم تشکیل شده و بنابرقوانین مصوب ناشی از اراده و مشارکت مردم و خواست آنهاست.حقوق مالیاتی در تقسیم بندی حقوقی در گروه حقوق داخلی عمومی قرار دارد هر چند امروزه در عرصه بینالمللی قرارداد های مالیاتی برای اجتناب از مالیات مضاعف بین دولت مختلف منعقد می گردد اماروابط بین الملل در این رابطه به آن حد وسعتنیافته که بتوان حقوق مالیاتی را در زمره حقوق بین الملل عمومی و خصوصی قرار داد.(محمدپور91)

مالیات های حکومتی ،افزون بر تامین هزینه ها و تحقق اصل عدالت اجتماعی ،نقش مهم دیگری نیز دارد و آن اجرای سیاست های اقتصادی است.مالیات برای دولت که سیاست گذار و تنظیم کننده امور اقتصادی است یک ابزار است؛ابزاری کهمی تواند با تکیه برآن،تصمیم های سرمایه گذاران یا مصرف کنندگان را تحت الشعاع قرار دهد و هدایت کند.دولت با افزایش مالیات در برخی از بخش ها می تواند آنها را از رونق انداخته یا با کاهش مالیات و قائل شدن انواع معافیت ها و تخفیف ها،بخش های دیگری را رئنق بخشد.(درخشان 74)

تحلیل درآمدهای مالیاتی و نیز تعیین تاثی پذیری متغیرهای کلان می تواند در کاهش اختلال های بودجه دولت و همچنین اصلاحساختار آن برای پایدار نمودن درآمدهای دولت موثر باشد .سطح وصول مالیات های دریافتی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی در میان کشورهای در حال توسعه تا حدود قابل ملاحظه ای متغیر است(نعمت پور/جوادپور/موسوی83)

مالیات بر ارزش افزوده در ایران به دلیل ویژگی های مطلوب این مالیات در زمینه های بسط مالیاتی کاهش اتکا بر درآمدهای نفتی افزایش نظام مندی دستگاه مالیاتی تشویق تولید و صادرات ارتقا مشارکت افراد در پرداخت مالیات و....مورد توجه سیاست گذاران وصاحبنظران مالی و اقتصادی قرار گرفته است .(طیب نیا/رفیعی/یزدان پناه 83)

نظام کنونی مالیاتها در ایران دارای اشکال و ایرادهایی است،کهیکی از آنها فشار بیش از اندازه مالیاتی،بر بعضی پایه های مالیاتی ؛به علت معافیت ها و عدم مالیات از پایه های دیگر مالیاتی است.بنابراین سعی می شود،عمده مالیاتها از بین دو پایه مالیاتی شرکتهاو دستمزد و حقوق جمع آوری شود وجود پایه مالیاتی کوچک،به علت معافیت ها و فرارهای مالیات،و به دنبال آن ایجاد فشار مالیاتی از طریق نرخهای تصاعدی و بالا به پایه های کم ظرفیت موجود،موجب از بین رفتن انگیزه در فعالیتهای اقتصادی و تولیدی شده و گاهبی عدالتی در نظام اجرایی بطور محسوسی آن را شدیدتر می نماید.(محمدی سلیمانی 91)

**اهمیت و ضرورت تحقیق:**

از آنجایی که فرهنگ به عنوان یکی از شاخصه های زندگی اجتماعی نقش مهمی را در تحقق برنامه های اقتصادی دولت ها ایفا می نماید،لذا آگاهی از میزان تاثیرات فرهنگ و ارتقاءسطح فرهنگ مالیاتی در نظام مالیاتی با اهمیت و ضروری می باشد .

**متن تحقیق:**

امروزه ارائه خدمات با کیفیت در هر نوع و زمینه ای که باشد،بسیار مهم می باشد و ادارات دولتی نیز از انواع سازمان هایی می باشند که همواره احتیاج به بهبود کیفیت خدمات خود دارند.یکی از مهمترین این سازمانها ادارات امور مالیاتی هستند که نقش مهمی درتوسعه کیفیت خدمات اجتماعی و هم چنین نیازمند برقراری ارتباط و تعامل دو طرفه مودیان خود می باشد تا هم در قالب وظایف واختیارات خود به نوعی عمل کند و هم رضایت عموم را فراهم سازد .

اصلاح نظام مالیاتی وقتی موفقیت بیشتری دارد که دید سیستمی در باره آن وجود داشته باشد،زیرا اصولا اصلاح نظام مالیاتی شامل هدف های چند گانه (کسب درآمد،ارتقای کارایی اقتصادی،گسترش عدالت و کارآمد سازی مدیریت)و ارزیابی عکس العمل ابزارها وپایه های مالیاتی است .

داشتن نظر سیستمی درباره اصلاح نظام مالیاتی فواید عمده ای را به بار می آورد. به علت اینکه فعالیت چندانی در ارتباط با ارتقاء فرهنگ مالیاتی انجام نگرفته است مردم از فرهنگ مالیاتی پایینی بر خوردار هستند .

**مالیات**

همزمان با تشکیل اولین جوامع بشری مالیات نیز پایه به عرصه ظهئر گذاشته است. با ترک زندگی فردی وتشکل انسانها در قالب اجتماعات مختلف،حکومت ها نیز تشکیل شدند.حکومت ها برای تامین نیازهای عمومی و متخصص سیاستهای خود نیازمند تامین منابع مالی بوده و هستند و پایدارترین ،دیرین ترین و سالم ترین این منابع ،((مالیات))است .

اگر چه تعریف قانونی و رسمی از مالیات وجود ندارد و علمای مالیه نیز تعریف واحدی از مالیات ارائه نداده اند .به موجب تعریف ارایه شده از سوی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مالیات پرداختی است الزامی و بلاعوض ،مالیات بخش از درآمد یا دارایی فرد است که بهمنظر پرداخت مخارج عمومی و اجرای سیاست های مالی در راستای حفظ منافع اقتصادی،اجتماعی وسیاسی کشور به موجب قوانین به وسیله اهرم های اداری و اجرای دولت وصول می شودودر سال 1345 اولین قانون جامع مالیات های مستقیم در ایران به تصویب رسید که این قانون پس از انقلاب اسلامی دستخوش تغییراتی گردید و در نهیت قانون مالیاتهای مستقی جدید در اسفند ماه سال 1366 به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.علاوه برمالیاتهای مستقیم دولت به موجب قوانین و مقررات مختلف اقدام به دریافت وجوه و عوارض در سطح ملی و محلی می کرد که به نوعی مالیات غیر مستقیم تلقی شد.

قانون مالیات بر ارزش افزوده در تابستان سال 1387 به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.مالیات بر ارزش افزوده نوعی مالیات غیرمستقیم عام بر کلیه کالاها و خدمات به استثنای موارد معاف است که به صورت چند مرحله ای از اضافه ارزش افزوده کالاهای تولید شده یا خدمات ارائه شده در مراحل مختلف تولید و توزیع می شود.با تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده قانون معروف به تجمیع عوارض لغو و عملا این قانون جایگزین آن شد .

با توجه به اهداف بسیار متنوع اقتصاد اسلامی در مقایسه با مکتب های دیگر ،دولت برای تامین مخارج مالی خود،به درآمدهای گوناگونی نیازدارد .مالیات به عنوان یکی از مهم ترین راه های درآمد دولت ،در رسیدن به این اهداف اهمیت خاصی دارد :

الف)تامین مالی مخارج معین:نظام مالیاتی اقتصاد اسلامی،از این نظر شبیه به عوارض عمل می کند .با این تفاوت که مالیات ،به طور کلی به خزانه داری دولت وریز می شودو دولت مخارج مختلف خود را با آن تامین می کند،ولی عوارض گردآوری شده،تنها باید در موارد و مکان های معین مصرف شود.

ب)عدالت اجتماعی :هر شهروندی در جامعه اسلامی به نسبت بهره ای که از امکانات جامعه و کشوری می برد،باید در تامین مخارج وهزینه ها سهیم باشد .

ج)اجرای سیاست های اقتصادی:به هر میزان که بیشتر مالیات گرفته شود،هزینه مالیات دهنده،افزایش و در نتیجه،سود وی کاهش می یابد.دولت با افزایش مالیات در برخی بخش ها می تواند جلو گسترش غیر ضروری آن ها را بگیرد یا با کاهش مالیات و در نظر گرفتن انواع معافیت ها و تخفیف ها ،بخش های دیگری را رونق بخشد .

**مفهوم فرهنگ**

فرهنگ واژه ای است که علمای علم اجتماع و پژوهشگران رشته مردم شناسی آن را به کار مبرند واین واژه از گسترش وسیعی بر خورداراست و آن چنان مفید واقع شده که آن را در سایر علوم اجتماعی نیز به کار می برند.فرهنگ در قالب تخصصی خود در حدود اواسط قرن نوزدهم در نوشته ای علمای مردم شناسی پدیدار شد و کاربرد علمی در اواخر قرن مذکور توسط تایلر(1917-1832)مردم شناس انگلیسی صورت گرفت.یکی از مبانی اساسی علوم رفتاری با رشته انسان شناسی آغاز می شود و یکی از رشته های فرعی انسان شناسی،انسان شناسی فرهنگی است که با مطالعه رفتار سازمانی ارتباط نزدیک دارد .انسان شناسی فرهنگی با رفتار مکتسبه انسانها که از فرهنگ آنها تاثیر می گیرد و نیز با فرهنگ متاثر از این رفتار سرو کار دارد .در واقع بدون فهم عمیق ارزشهای فرهنگی جامعه نمی توان رفتار سازمانی را به درستی فهمید.نقشی که فرهنگ در درفتار انسان ایفا می کند،یکی از مهم ترین مفاهیمی است که در علوم رفتاری وجود دارد .

به صورت خیلی کلی مفهوم فرهنگ عبارت است از،کیفیت زندگی گروهی از افراد بشر که از نسل به نسل دیگر انتقال پیدا می مند.به عقیده ادگار شاین فرهنگ را می توان به عنوان یک پدیده که در تمام مدت اطراف مارا احاطه کرده است مورد تجزیه وتحلیل قرار داد.به نظر وی هنگامی که فردی ،فرهنگی را به سازمان یا به داخل گروهی از سازمان به ارمغان می آورد می تواند به وضوح چگونگی به وجود آمدن ،جای گرفتن و توسعه آن را ببیند و سرانجام آن را زیر نفوذ خود در آورده ،مدیریت نماید و سپس تغییر دهد .

پژوهشگران مسائل فرهنگی ،کاربرد فهنگ را در دو زمینه بیان می کنند.فرهنگ در گسترده ترین معنی می تواند به فرآورده های تمدن پیچیده و پیشرفته اشاره داشته باشد که در چنین معنایی به چیزهایی مانند ادبیات،هنر،فلسفه،دانش وفن شناسی باز می گزدد .در زمینه دیگر فرهنگ از سوی مدم سناسان و دیگر کسانی که انسان را بررسی می کنند،به کار می رود در این معنی به آفریده های اندیشه،عادات،اشیاء عادی اشاره دارد که در پی انباشت آنها سازگاری پیچیده ای بین انسان و محیط طبیعی وی پدید می آید .

**تعریف فرهنگ**

فرهنگ در زبان فارسی معانی مختلفی دارد که مهم ترین آنها ادب،تربیت،دانش،مجموعه آداب و رسوم ،علوم ،معارف و هنرهای یکجامعه است.از دیدگاه علمی تعاریف متعدد و متنوعی از فرهنگ ارائه گردیده که در ذیل از آنها اشاره می شود:

در فرهنگ فارسی عمید،فرهنگ عبارت است از دانش،ادب،علم،معرفت،تعلیم و تربیت،آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت.

فرهنگ لغات وبستر،فرهنگ را مجموعه ای از رفتارهای پیچیده انسانی که شامل افکار،گفتاراعمال و آثارهنری است و بر توانایی انسانبرای یادگیری و انتقال به نسل دیگر تعریف می کند.

به عقیده هافستد فرهنگ عبارت است از:اندیشه مشترک اعضای گروه یا طبقه که آنها را از دیگر گروهها مجزا و در جایی دیگر،فرهنگ به صورت مجموعه ای از الگوهای رفتار اجتماعی ،هنرها،اعتقادات،رسوم و سایر محصولات انسان و ویژگیهای فکری یک جامعه یا ملت تعریف می شود .

با بررسی های زیادی که از فرهنگ های مختلف به عمل آمده،چنین به نظر می آید که علی رغم تفاوتهای موجود،همه فرهنگها دارای ویژگی هایی هستند که تعدادی از آنها را می توان به شرح زیر معرفی کرد :

فرهنگ آموختنی است.فرهنگ خصوصیتی غریزی است و ذاتی نیست.

فرهنگ نظامی است که پس از زاده شدن انسان در سراسر زندگی آموخته می شود.

فرهنگ آموخته می شود.انسان می تواند عادتهای آموخته شده خود را به دیگران منتقل کند.

فرهنگ اجتماعی است عادتهای فرهنگی،ریشه های اجتماعی دارند و شماری از مردم که در گروهها وجامعه ها زندگی می کنند در آن شریک اند.

فرهنگ پدیده ای ذهنی و تصوری است .عادتهای گروهی که فرهنگ از آنها پدید می آید به صورت هنجارها یا الگوهای رفتاری ،آرمانی ذهنی می شوند یا در کلام می آیند .

فرهنگ خشنودی بخش است.هر فرهنگی که نتواند از عهده تعیین هدف اعلای زندگی بر آید از بر آوردن آرمانهای عالی حیات نیز ناتوان است.عناصر فرهنگی تا زمانی که بر افراد یک جامعه خشنودی نهایی می بخشد می توانند پایدار بمانند.

فرهنگ سازگاری می باید.فرهنگ دگرگون می شود و فراگرد دگرگونی آن همراه با تطبیق و سازگاری است .

فرهنگ یگانه ساز است.عناصر هر فرهنگ گرایش به آن دارند تا پیکری یکپارچه و به هم بافته و سازگار پدید آورند و این سازگاری به زمان نیاز دارد.

**فرهنگ مالیاتی**

مجموعه ای از طرز تلقی،برداشت،ارزش های اجتماعی و عکس العمل و میزان آگاهی مردم از مالیات و قوانین ،شیوه دریافت و هزینه کرد آن می باشد هر چقدر فرهنگ مالیاتی جایگاه مناسبی در بین مردم داشته باشد و قوانین و سیستم های مالیاتی کارا باشند،انگیزه مشارکت در پرداخت مالیات و افزودن بر درآمدهای مالیاتی تقویت خواهد شد.درآمدهای مالیاتی بخش اعظم در آمدهای مالیاتی کشورهای توسعه یافته را تشکیل می دهد.در برخی کشورها درآمدهای مالیاتی 49تا55 درصد تولید ناخالص ملی است در حالی که در ایران حداکثر 7درصد است .ایندر حالی است که لپبر اساس اعلام آمارهای اقتصادی ارائه شده از سوی مراکز و نهادهای جهانی از جمله بانک جهانی و صندوق بین المللی پول،می توان چنین گفت که بیش از 85درصد درآمدهای اکثر کشورهای دنیا به غیر از چند کشور نفت خیز منطقه خاورمیانه،حتی آمریکا،روسیه وبلزیک هم که نفت دارند،از طریق مالیات تامین می شود.درآمد مالیاتی بر اساس اقتصاد مقاومتی بایستی هزینه ای عمومی دولت را پوشش دهد این در حالی است که این پوشش از 25 درصد نزدیک شده است بطوریکه در آمدهای مالیاتی برای سال95حدود 100هزار میلیارد توان پیش بینی شده است در حالیکه بودجه عمومی دولت حدود 300هزار میلیارد است بی تردید با تقویت فرهنگ مالیاتی و جلوگیری از فرار مالیاتی تحقق درآمد مالیاتی 150هزار میلیاردی در کوتاه مدت دست یافتنی خواهد بود.

40درصد اقتصاد کشور مالیات نمی پردازند که بخشی از آن را با تقویت فرهنگ مالیاتی می توان وصول کرد .در ضمن با ارتقاءفرهنگ مالیاتی دستیابی به درآمدهای مالیاتی بیشتر فراهم خواهد بود.مالیات در کشورهای توسعه یافته یکی از منابع مهم در آمدهای دولت را تشکیل می دهد.شهروندان کشورهای پیشرفته به دلیل اعتمادی که در گذر زمان ،به نقش مالیات در تامین رفاه عمومی و ارتقای شاخص های اقتصادی کشورهای خود پیدا کرده اند،پرداخت مالیات به دولت را یکی از مهم ترین وظایف ملی خود می دانند .

یک عامل بسیار مهم د رترویج فرهنگ پرداخت مالیات در کشورهای پیشرفته ،سازمان های نظارتی قدرتمند بر نحوه مصرف مالیات در این کشورها است که عملکرد آنها مالیات دهندگان را مطمئن می سازد که مالیات های آنها دقیقا برای همان مصارفی که در بودجه دولت ها منظور شده است،پرداخت می شود.اطلاع مردم از محل مصرف و نحوه مصرف مالیات خود،انگیزه های آنان را برای پرداخت مالیات را افزایش خواهد داد.مشارکت مردم در توسعه و آبادانی کشور در سایه شفافیت در مصرف درآمدها خواهد بود .

یکی از مشکلات عمده سیستم مالیاتی ،ذهنیت منفی مردم نسبت به بحث مالیات است.مودیان به امور مالیاتی به عنوان افرادی نگاه می کنند که از طرف دولت مامور شده اند تا سرمایه هایشان را از آنان بکیرند.این ذهنیت سابقه تاریخی دارد و هنوز بعد از گذشت سال های طولانی مردم بر این باورند که مالیات نوعی پول زور است.زدودن این اندیشه و تغییر در نگرش و باور مودیان و ایجاد دیدگاهی مثبت،می تواند گام مهمی به سوی فرهنگ سازی مالیاتی باشد .

افزایش مشارکت مردم در سایه وجود سیستم مناسب و عادلانه مالیاتی است.زمانی که کارمندان دولت 5درصد درآمد را داشته باشندوبیش از 50 درصد مالیات مشاغل را می پردازند ،جامعه موضع مناسب در خصوص مالیات نخواهند داشت .وقتی اصناف در مورد پرداخت مالیات ،سیستم مالیاتی را مناسب و عادلانه نمی دانند و یا توجیه شایسته صورت نگرفته است،طبیعی است که مقاومت در پرداخت مالیات را شاهد خواهیم بود .در حالتی که فرار مالیاتی و یا نپرداختن آن،در جامعه نوعی زرنگی و موفقیت قلمداد شود و شیوه گریز پرداخت مالیات بعنوان یک تجربه ،بین شرکتها و افراد منتقل گردد و افرادی برای نشان دادن راههای گریز و میان بر زدن استخدام شوند،یعنی هم سیستم عادلانه مالیاتی تدوین نشده و هم فضای فرار مالیاتی در دسترس است و هم اینکه ارزشها جابجا شده اند و بجای اینکه پرداخت مالیات و مشارکت در رشد و شکوفایی کشور به یک افتخار تبدیل شود ،اجحاف در حقوق جامعه و فرار مالیاتی به یک فرهنگ و ارزش تبدیل شده است و این موضوع بایستی مورد توجه مردم و مسئولین قرار گیرد چرا که به جز درآمد مالیاتی ،تغییر ارزشها و فرهنگ ها در حال رخ دادن هستند.در ایران اسلامی که فرهنگایثار و از خود گذشتگی در طول دهه های گذشته موج می زد،چرا فرار مالیاتی به یک استراتژی ارزشی تبدیل شده است.البته همگان چنین نیستند و در مشارکت اجتماعی فعالند اما میزان مشارکت مشتاقانه مردم در درآمدهای مالیاتی به اندازه انتظار نیست و باید فرهنگ مالیاتی تقویت گردد .

عدالت مالیاتی به معنی توزیع مجدد درآمد از طبقات بالاتر به پایین تر می باشد .ایجاد مکانیسم و چرخه مناسب و تقویت فرهنگ مالیاتی به تحقق سیاستهای اقتصاد مقاومتی که در آن به جایگزینی در آمدهای مالیاتی با درآمد نفتی در پوشش بودجه عمومی دولت تاکید شده است،کمک شایانی خواهد کرد .

فاکتورهای اقتصادی نیزبه نوبه خود می تواند در توسعه و گسترش فرهنگ مالیاتی نقش بسزایی ایفا کند .عوامل مهم در این مورد اشتغال کامل،سیاست های ضد تورمی و در آمد بالای افراد جامعه است.اصولا وصول مالیات ها و قوانین مالیاتی که توسط دست اندرکاران و مسئولین امر تهیه وتنظیم می شود.در شرایطی قابل اجرا است که اشتغال کاکل و میزان تورم در کنترل دولت باشد .در شرایط رکود و بیکاری وصول درآمدهای مالیاتی سخت خواهد بود و لازم است دولتها در چنین شرایطی موضع سر سخت و غیر منطقی را در مقابل مودیان بکار نبردند .

یکی از نکات مورد تاکید عموم متخصصین علم مالیه عمومی و مدیران مالیاتی برای ایجاد پایه مالیاتی جدید و حتی بسط و گسترش پایه های مالیاتی قدیمی ،رشد و توسعه فرهنگ مالیاتی در جامعه است؛چرا که هرچه جامعه دارای فرهنگ مالیاتی غنی تری باشد،وصول مالیات توسط سازمان امور مالیاتی با موفقیت و سهولت بیشتری همراه است و مودیان مالیاتی نیز با رغبت و احساس مسئولیت بیشتری اقدام به انجام وظایف قانونی خود می کنند. در این مقاله به بررسی آثار عوامل فرهنگی بر امور مالیاتی پرداخته ام .

فرهنگ مالیاتی را می توان مجموعه ای از طرز تلقی،بینش و عکس العمل اشخاص در قبال سیستم مالیاتی دانست.این طرز تلقی به طور قطع بایک قانون مناسب و نیز عملکرد ماموران مالیاتی در به کارگیری قانون در مراجعه به مودیان نقش اساسی دراد .مسلم است فرهنگ مالیاتی ،متاثر از فرهنگ عمومی جامعه،چگونگی روابط مردم و نیز متاثر از عوامل ایدئولوژیکی،سیاسی و اقتصادی جامعه است.

بدیهی است سطح دانش،فرهنگ،آرمان ها،ارزش های سیاسی و اجتماعی ،عوامل مهمی هستند که فرهنگ مالیاتی را در جامعه تحت تاثیر قرار می دهند.

مالیات در کشورهای توسعه یافته یکی از منابع مهم درآمدهای دولت را تشکیل می دهد.شهروندان کشورهای پیشرفته به دلیل اعتمادی که در گذر زمان ،به نقش مالیات در تامین رفاه عمومی و ارتقای شاخص های اقتصادی کشورهای خود پیدا کرده اند،پرداخت مالیات به دولت را یکی از مهم ترین وظایف ملی خود می دانند .

یک عامل بسیار مهم در ترویج فرهنگ پرداخت مالیات در کشورهای پیشرفته ،وجود سازمان های نظارتی قدرتمند بر نحوه مصرف مالیات در اینکشورها است که عملکرد آنها مالیات دهندگان را مطمئن می سازد که مالیات های آنها دقیقا برای همان مصارفی که در بودجه دولت ها منظورشده است، پرداخت می شود .

بنابراین یکی از شاخص های مهم توسعه یافتگی در کشورهای مزبور،وجود فرهنگ بسیار نیرومند و خلل ناپذیر پرداخت مالیات به دولت ،تاحدی که طفره رفتن از پرداخت مالیات در این کشورها به هردلیل و بهانه یا عدم اعلام دقیق میزان درآمد سالانه،در فرهنگ اجتماعی شهروندان آنها عملی زشت و ناپسند و غیر قابل گذشت محسوب می شود .

همان طور که اشاره شد،یکی از دلایل گسترش فرهنگ مالیات در کشورهای پیشرفته،ایمان و اعتقاد قلبی مردم به مصرف درست و بهینه مالیاتی است که به دولت خود می پردازند.یعنی مردم به چشم خود آثار پرداخت مالیات را در همه زمینه ای زندگی اعم از آموزش ،درمان وبهداشت،توسعه و عمران شهری ،راه های ارتباطی،توسعه شبکه های مخابراتی و در نهایت تقویت بنیه دفاعی کشورهای خود لمس و مشاهده می کنند ونهادهای انتخابی هم به نمایندگی از سوی مالیات دهندگان بر کار مصرف کنندگان در آمدهای مالیاتی نظارت دقیق و همه جانبه دارند .

بنابراین برای ایجاد فرهنگ مالیاتی مطلوب،باید در مردم باور و اعتقاد عمومی نسبت به مالیات ایجاد شود و مردم نسبت به دولت وپرداخت هزینه های آن نگاهی مثبت داشته باشند .

برای ایجاد یک باور دو طرفه بین دولت و مردم،دولت باید با دادن آگاهی های لازم در خصوص میزان هزینه های جامعه و مسائلی که با آن سروکار دارد و با هزینه کردن مالیات دریافتی برای رفاه عمومی مردم،در باور آنها نسبت به عملکرد خود دیدگاه مثبتی ایجاد کند و مردم نیز به این باور برسند که پولی را که بابت مالیات به دولت می دهند،صرف رفاه و خدمات اجتماعی به آنان می شود .

**زدودن ذهنیات منفی مردم درباره مالیات**

یکی از مشکلات عمده سیستم مالیاتی،ذهنیت منفی مردم نسبت به مقوله مالیات است.مودیان به ماموران مالیاتی به عنوان افرادی نگاه می کنند که از طرف دولت مامور شده اند تا سرمایه هایشان را از آنان بگیرند.این نگاه منفی،سابقه تاریخی دارد.در گذشته پادشاهان برای تامین مخارج کشورداری ،لشکر کشی و خوشگذارنی خود به مردم زور می گفتند و تمام اموال آنها را به نام مالیات ازآنان می گرفتند .هرگاه جنگی اتفاق می افتاد،شهرها و روستاهای در مسیر جنگ مجبوربودند،تمام هزینه های مربوط به جنگ را پرداخت کنند .

این ذهنیت از گذشته به نسل امروز منتقل شده و هنوز بعد از گذشت قرن ها و سال های طولانی مردم بر این باورند که مالیات نوعی پول زوراست .زدودن این اندیشه و تغییر در نگرش و باور مودیان و ایجاد دیدگاهی مثبت ،می تواند گام مهمی به سوی فرهنگ سازی مالیاتی باشد .

**ویژگی های یک فرهنگ مالیاتی مطلوب**

قبل از بحث در مورد راهکارهای ارتقای فرهنگ مالیاتی ،باید بدانیم یک فرهنگ مالیاتی مطلوب دارای چه ویژگی هایی است.

فرهنگ مالیاتی هنگامی کارآ است که افرد جامعه را ملزم به رعایت موارد زیر کند:

-نسبت به تمام درآمدها و دارائی هایی که مشمول مالیات می شوند،مالیات خود را پرداخت.

-هرگاه شروع به فعالیت و کسبی می کنند،به اداره مالیات گزارش بدهند.

-وظایف خود را در قبال نظام مالیاتی به نحو احسن انجام دهند.

-کنمان در آمد نکنند .

-در موعد مقرر اظهار نامه مالیاتی خود را براساس درآمدها و هزینه های واقعی تنظیم و به حوزه مالیاتی تحویل دهند .

-مالیات خود را در موعد مقرر پرداخت و با ادارات امور مالیاتی درتشخیص مالیات همکاری کنند .

**اصلاح فرهنگ مالیاتی**

برای رسیدن به اهداف یاد شده،اصلاح فرهنگ مالیاتی را در دو بعد درون سازمانی ((شامل عوامل مدیریتی و روابط عمومی ))و برون سازمانی ((شامل عوامل فرهنگی و اقتصادی )) مورد بررسی قرار می دهیم:

عوامل موثر درون سازمانی جهت ایجاد و توسعه فرهنگ مالیاتی به شرح زیر است:

**الف-مدیریت و نگرش مدیران نسبت به فرهنگ مالیاتی**

مدیران ارشد سازمانی می توانند با دیدگاه های سازنده فرهنگی خود نسبت به مقوله مالیات،گام مهمی برای توسعه و ترویج فرهنگ مالیاتی بردارند،زیرا فرهنگ مالیاتی زمانی قوام می گیرد که سیاست سازمان برای ارتقءو رشد فرهنگ مالیاتی چه در داخل و چه در خارج از سازمانتوسط مدیران مالیاتی سمت و سو گرفته باشد .به تعبیر دیگر روسای سازمان باید براین باور باشند که یکی از مشکلات اصلی سیستم مالیاتی که باید برای حل آن گام های اساسی بردارند ،فرهنگ مالیاتی است .

**ب- روابط عمومی سازمان امور مالیاتی**

وجود یک روابط عمومی بسیار قوی می تواند عامل مهمی در تکوین فرهنگ مالیاتی باشد.با توجه به نقش بسیار مهم و خطیر روابط عمومی سازمان امور مالیاتی در بخش فرهنگ مالیاتی به نظر می رسد؛بهتر است به مواردی که در آن می تواند موثرتر عمل کند،بپردازد ضمن اینکه گاها برخی از این موارد علاوه بر روابط عمومی به سایر بخش های مالیاتی مانند مدیران و کارمنان مالیاتی و نیز به بخش هایی خارج از سازمان ارتباط دارد که این مطلب حاکی از چند وجهی بودن بخش روابط عمومی است .

**پ-معرفی نمودن مودیان نمونه**

سازمان امور ماالیاتی می تواند با معرفی مودیان نمونه مالیاتی و انتخاب یک مودی نمونه برتر از هر اداره کل مالیاتی،فاصله ایجاد شده بین مودی و سازمان مالیاتی را کم کند و عملا نشان دهد که سازمان علاوه بر دریافت مالیات به جنبه های فرهنگی،ذهنی ورفتاری مالیات دهندگان نیزاهمیت می دهد.همچنین با تشویق مادی مودیان به صورت های مختلف((بخشش جرایم،تقسیط های بلند مدت و...))و دادن پاداش های مالی،عاملی برای افزایش مشارکت مودیان یا سیستم مالیاتی ایجادکند .

ابعاد درون سازمانی نیز شامل عوامل فرهنگی و اقتصادی به شرح زیر است:

**الف-آموزش و پرورش**

 مردم ملزم به آموختن قوانین و قراردادهای اجتماعی هستند و مالیات به عنوان یکی از قوانین اجتماعی فنیازمند آموزش همگاهی به مردم است.مالیات یکی از بزرگ ترین موارد اقتصادی و اجتماعی است و دلایل پرداخت مالیات باید به دانش آوزان،آموزش داده شود ،اما متاسفانه در نظامآموزشی ایران چه در دوره دبیرستان و چه در دانشگاهها به طور جامع و کامل آموزش مالیات نهادینه نشده است،به طوری که دانش آموختگان آموزش و پرورش و نظام دانشگاهی پس از ورود به فعالیت های اقتصادی ،در برخورد با مسائل مالیاتی گویی برای نخستین بار است که آن را می شنوند .

انتظاری که از آمزش و پرورش می رود،این است که بتواند مقوله فرهنگ مالیاتی و لزوم پرداخت مالیات و تاثیر آن در توسعه اجتماعی وبازسازی کشور و امکان سرویس دهی بهتر از طرف دولت را به صورت یک ارزش اجتماعی و کاری بسیار مثبت و مهم به دانش آموزان انتقال دهد .

**ب-وسایل ارتباط جمعی**

در بحث فرهنگ مالیاتی هدف این است که بتوانیم از وسایل ارتباط جمعی برای فرهنگسازی و به فعلیت در آوردن بالقوه فرهنگ مالیاتی استفاده کنیم.اولین مساله ای که خود را نمایان می سازد این است که متاسفانه آمار دقیقی از وضیعت مخاطبان رسانه های ارتباط جمعه ((به خصوص مودیان مالیاتی))وجود ندارد.اینکه مخاطبان ما از چه گروه سنی ،گرایش فکری،میزان تحصیلات ،شغل و...تشکیل یافته اند .اطلاعی در دست نداریم.در نتیجه نمی توان برای آنها برنامه ریزی کرد . نکته بعدی این است که صرف نظر از وجود یا عدم اطلاعات دقیق و کافی در مورد مودیان ،وسایل ارتباط جمعی نیز گام چندان موثری در ترویج فرهنگ مالیاتی بر نداشته است،گویا در جامعه کمبود فرهنگ مالیاتی محسوس نیست تا کسی بخواهد برای آن برنامه ریزی کند.البته در میان وسایل جمعی ،روزنامه ها در زمینه مالیات هر از گاهی مطالبی می نویسند،اما مطالب نگارش یافته در زمینه فرهنگ سازی مالیاتی نیست و بیشتر به عناوین اخبار مالیاتی یا انتقاد از برخی قوانین مالیاتی اشاره دارد .

در هر حال اگر بخواهیم از طریق وسایل ارتباط جمعی به فرهنگ سازی بپردازیم،باید در زمینه ساحت فیلم،تیزرهای تبلیغاتی و تهیه برنامه های رادیویی و تلویزیونی درباره مالیاتو....سرمایه گذاری کنیم و از آنجا که این گونه فعالیت ها برای سرمایه گذار سود و منفعتی ندارد ،دولت یاسازمان امور مالیاتی باید وارد میدان شده و اقدام به سرمایه گذاری در این زمینه کند .

**پ-تبلیغات**

یکی از کارهای مهمی که سازمان امور مالیاتی در استراتژی های کوتاه مدت خود می تواند از آن بهره مند شود،کارهای تبلیغاتی از قبیل تهیه بروشور،پوستر،چاپ،جزوات آموزشی و....است. با انجام تبلیغات منظم،پایدار و گسترده،میزان آگاهی مودیان مالیاتی افزایش یافته و رفتار مالیاتی آنان در جهت اهداف سازمان مالیاتی شکل می گیرد .

**ت-اتحادیه ها**

اتحادیه ها می توانند نقش بسیار مهمی در فرهنگ سازی ایفاکنند.تجربه نشان داده است که اعضای اتحادیه ها تابع اتحادیه های خود هستند زیراآنها را نماینده ای می دانند که خود انتخاب کرده اند و از این رو تصمیمات آنان را جهت منافع خود قلمداد و آنها را اجرا می کنند.در رابطه با اتحادیه ها می توان با تهیه جزوات آموزشی در خصوص مالیات،قوانین مالیاتی و...به اعضای اتحادیه آموزش داد و از این طریق میزان آشنایی آنان را با قوانین ،مقررات و وظایف مالیاتی بالابرد. این کار را به صورت دیگری نیز می توان انجام داد وآن اینکه ادارات مالیاتی می توانند با تشکیل کلاس های توجیهی و آموزشی در رابطه با قانون مالیات های مستقیم ،سرویس مناسبی در این زمینه به اتحادیه های مالیاتی ارائه دهند .

سازمان امور مالیاتی می تواند جزوان آموزشی مورد نیاز هر صنفی را به زبانی ساده تحریر کرده و آن را در اختیار اتحادیه هایبگذارد و از آنان بخواهد تا این جزوات را در اختیار اشخاصی که متقاضی دریافت پروانه کسب هستند،قرار دهند و پس از مطالعه آن برای دریافت پروانه کسب اقدام کنند. سازمان امور مالیاتی و به تبع آن ادارات مالیاتی می توانند با صاحبان مشاغل و اتحادیه ها نشست های کاری برگزار کنند و طی آن مسائل و مشکلات را مطرح و راهکارهایی برای آن ارائه کنند .

**ث- عوامل اقتصادی**

عوامل اقتصادی نیز به نوبه خود خود می تواند در توسعه و گسترش فرهنگ مالیاتی نقش بسزایی ایفا کند.عوامل مهم در این مورد اشتغال کامل ،سیاست های ضدتورمی و درآمد بالای افراد جامعه است .اصولا وصول مالیات ها و قوانین مالیاتی که توسط دست اندر کاران و مسئولین امر تهیه وتنظیم میشود ،در شرایطی قابل اجرا است که اشتغال کامل و میزان تورم در کنترل دولت باشد .در چنین وضیعتی ظرفیت های اقتصادی وتولیدی جامعه در حد شکوفایی هستند و مالیات به عنوان عامل موثر در این شکوفایی نقش بسزایی ایفا میکنند.در این موقعیت که تلاش وکوشش اقتصادی و بازار عرضه وتقاضا در حد تعادل است ،مردم از درآمد نسبی و متعادل برخوردار هستند؛بنابراین پرداخت مالیات و تامین هزینه های دولت و تایید خط مشی دولتی با موافقت بیشتری همراه است و گسترش فرهنگ مالیاتی در چنین فضایی خود به خود از حالت بالقوه به صورت بالفعل در می آید.حال اگر جامعه در وضیعتی قرار گرفته باشد که اشتغال ناقص و تورم شدید،باعث توزیع مجدد در آمد و ثروت بدون توجه به ضابطه کار وکارآیی شود،این توزیع مجدد در بسیاری از موارد از نظر اجتماعی غیر عادلانه است .در تورم،درآمد پاره ای از افراد کمتر از نرخ تورم و درآمد زایی برخی بیش از نرخ تورم افزایش خواهد یافت .

گروه اول که افراد مزد بگیر و حقوق بگیر،معلمان ،اساتید دانشگاه ها،وکارمندان و.....را شامل می شود،از تورم زیان خواهند دید،ولی دسته دیگر کهاکثرا در خدمات تجاری،بازرگانی و به ویژه واسطه گری به کار مشغول هستند،افزایش باد آورده و چشمگیری را در درآمدهای خود شاهد خواهندبود.چنین تغییراتی می تواند آثار روانی بسیار مضری در سطح جامعه و در نگرش و باورهای مردم بگذارد و این تاثیر بر فرهنگ مالیاتی آثار مخربی خواهد گذاشت. از این رو در این زمان باید اصلاحاتی را در زمینه قوانین مالیاتی از جمله معافیت افراد کم درآمد افزایش نرخ مالیاتی بعضی مشاغل و ایجاد پایه های مالیاتی جدید برای کنترل تورم انجام دهد .

**ج-عدالت مالیاتی**

یکی از مواردی که اکثر مودیان مالیاتی در اعتراض به مالیات خود عنوان می کنند،این است که مالیات های آنان با سایر مشاغل هم صف خودنابرابر و تبعیض آمیز است.از این رودر زمینه تشخیص و تعیین مالیات باید توجه خاص و ویژه به این مساله داشت و سازمان مالیاتی حتی المقدور باید با در اختیار گذاشتن امکانات و تجهیزات وبه ویژه برقراری سیستم جامع اطلاعات مودیان از بروز هر گونه عامل تبعیض واحساس بی عدالتی در این سیستم جلوگیری در این سیستم جلوگیری کند،زیرا اگر نگرش مردم نسبت به مالیات عادلانه و منصفانه باشد،در پرداخت مالیات احساس رضایت و خشنودی خواهند کرد و این خود در توسعه و گسترش فرهنگ پرداخت مالیات موثر خواهد بود.

**چ-اعتماد سازی**

اگر مردم به دولتمردان خود و دست اندر کاران لمور مالیات اعتماد داشته و این اعتماد به صورت یک باور و نگرش عمومی در اذهان مردم شکلگرفته باشد،در انجام وظایف خود احساس مسئولیت می کنند و پرداخت مالیات با کمترین هزینه و با رضای قلبی صورت می گیرد .یک سیستم مالیاتی زمانی موفق است که در این راه حداکثر اعتماد مودیان و شهروندان را به خود جلب کند.شرط لازم آن،این است که در مرحله اول به ارباب رجوع و مودیان خود اعتماد و به سخنان آنان توجه کند،زیرا قدم اول را باید ماموران امور مالیاتی بردارند ووقتی پل اعتماد ایجادشد،در نتیجه آنان با کمال صداقت و شهامت درآمد و معاملات خود را اعلام و با در اختیار گذاشتن اسناد و مدارک خود،ماموران مالیاتی را در مسیر تشخیص درست و واقعی راهنمایی می کنند.بنابراین اعتماد،گوهری است که در فرهنگ مالیات و توسعه آن باید مورد توجه قرار گیرد و اگر افرادی در این مسیر وجود دارند که می خواهند یوءاستفاده کنند،باید با آنان برخورد شود .محققان و دست اندرکاران امور مالیاتی بر این باورند که عوامل زیر در ایجاد اعتماد سازی میان مودیان سازمان امور مالیاتی موثر است:

الف)اطلاع رسانی ،آ»وزش و ارائه خدمات مالیاتی به مودیان و شهروندان

ب) اطلاع رسانی از خط مشی ها و اهداف دولت مالیات و همچنین تامین هزینه هایی که از طریق مالیات جبران می شود .

ج)کیفیت و درستی اطلاعات ارائه شده و برای برنامه های کمک به مودیان .

د)جلوگیری از سیاست های اجرایی تبعیض آمیز.

ه)تسهیل و سادگی هرچه بیشتر قوانین و روش های اجرایی .

و)عادلانه و واقعی کردن نرخ ها و ضرایب مالیاتی .

سازمان امور مالیاتی می تواند با عادلانه تر کردن نرخ ها و واقعی کردن ضرایبمالیاتی ،اعتماد مردم را به سیستم مالیاتی افزایش داده و به طور عملی به مردم ثابت کند که هدف اصلی این سازمان وصول بیشتر مالیات نیست،بلکه گرفتن مالیات به صورت عادلانه و منصفانه و تزریق مالیات دریافتی به پیکر جامعه و توزیع درآمد در میان اقشار آسیب پذیر جامعه است تا به وسیله سطح رفاه اجتماعی افزایش یابد .

**فرضیات تحقیق**

به نظر میرسد میان ارتقای فرهنگ مالیاتی و نظام مالیات رابطه مستقیم وجود دارد .

**روش پژوهش:**

تحقیق حاضر از نوع توصیفی –کاربردی که طی آن جهت جمع آوری اطلاعات و تدوین فرضیه ها و تدوین مدل تحقیق از روش های اسنادی و پیمایشی استفاده شده است .برای جمع آوری اطلاعات روش های مختلفی وجود داد.با توجه به اینکه دراغلب موارد تماس مستقیم با آزمودنی ها وقت گیر،گران و گاهی غیر ممکن از پرسشنامه استفاده می شود (نادری و سیف نراقی،1375) در تحقیق حاضر نیز برای جمع آوری اطلاعات از اسناد و پرسشنامه استفاده شده است .پرسشنامه در دو بخش تدوین شده است،بخش اول مربوط به مشخصات جمعیت شناختی و بخش دوم مربوط به سنجش متغیرهای فرضیه های تحقیق می باشند که به صورت طیف لیکرت درجهبندی شده اند.جامعه مورد مطالعه،با توجه به موضوع تحقیق که عوامل موثر بر ارتقای فرهنگ مالیاتی و تاثی آن بر نظام مالیاتی است .

**روش گرد آوری اطلاعات**

برای جمع آوری اطلاعات لازم در خصوص این پژوهش ،از ابزار پرسشنامه استفاده شده است.در این روش با توجه به ماهیت سوالات از پرسشنامه با طیف لیکرت استفاده شده است.طیف لیکرت مورد استفاده در این تحقیق یک طیف پنج گزینه ای است که شامل گزینه خیلی موافقم،موافقم،تاحدودی موافقم،مخالفم و خیلی مخالفم می باشد .

**روایی و اعتبار**

اعتبار یا روایی(آزمون KMOوبارتلت) در رابطه با مقدار سنجه کفایت بسندگی کیزر –میراولکین عاملی 0.835)حکایت از مناسب بودن داده ها و متغیرهای مورد نظر می باشد .به واقع این نتیجه،تناسب کافی بین سازه نظری و تجربی تحقیق بر قرار می باشد .

مقدار آزمون کرویت بارتلت(772و1263)در سطح خطای کمتر از 0.01 معنی دار می باشد که نشانگر آن است که ماتریس همبستگی درون گویه ای مناسب و از طرف دیگر نیز،همبستگی هر عامل با مجموعه گویه ها و با همبستگی عوامل دگر با مجموعه گویه ها ی دیگر تفاوت داد. در مجموع ،با توجه به این نتیجه،کشف یک ساختار جدید از فایل داده ها و متغیرهای تحقیق ممکن می سازد .

**جدول شماره1:آزمون بارتلت و سطح معنی داری**

|  |
| --- |
| آزمون KMO |
| 1263.772 | خی دو  | آزمون بارتلت |
| 136 | در جه آزادی  |
| 0.000 | سطح معناداری  |

**آزمون پایایی (الفای کرونباخ)**

برای اطمینان از پایایی سوالات و گویه های مورد سنجش برای مفاهیم مورد استفاده تحقیق،پرسشنامه اولیه در جمعیت 30نفری پاسخگویان مورد آزمون قرار گرفت تا نواقص احتمالی پرسشنامه،که می توانست از نامفهوم بودن سوالات،ترتیب نامناسب سوالات وطولانی بودن پرسشنامه و....باشد،مرتفع گردد.همچنین از کارشناسان و محققین خواسته شد تا مشکلات احتمالی پرسشنامه را در مقابل هر گویه و سوال متذکر شوند.پس از جمع آوری پرسشنامه ها و بررسی نظرات کارشناسان بانک اطلاعاتی برای 30پرسشنامه تشکیل و روایی شاخص ها مورد سنجش قرار گرفت که در ادامه،نتایج به دست آمده برای هر شاخص به صورت مجزا ارائه می شود .

همچنین سوالات و گویه هایی که برای سنجش متغیرها ساخته شده بود به واسطه نظر کارشناسان و اساتید مورد تجدید نظر کلی قرار گرفت و پرسشنامه اولیه پس از حذف و اصلاح سوالات و گویه ها،نهایی شد .

**جدول شماره 2 الفای به دست آمده شاخص ها**

|  |  |
| --- | --- |
| شاخص | ضریب پایانی  |
| عوامل اجتماعی شدن | 0.888 |
| عوامل برون سازی | 0.903 |
| عوامل درون سازی  | 0.835 |
| عوامل فردی  | 0.782 |

همان طور که از جدول فوق مشخص است ضریب پایانی کل طیف به دست آمده برای هر یک از مفاهیم در حد بالا می باشد و این موضوع نشان دهنده همبستگی درونی بین متغیرها برای سنجش مفاهیم مورد نظر می باشد و بدین ترتیب می توان گفت که تحقیق ما از قابلیت اعتماد و پایایی لازم برخوردار می باشد .

**جامعه آماری**

40نفر از بین مودیان مالیاتی انتخاب گردیده اند:

\*70درصد پاسخگویان مرد و مابقی ایشان زن بوده اند.

\*بیشترین پاسخگویان در رده سنی 30تا35 سال و کمترین پاسخگویان د رده سنی 55تا60 سال قرار داشته اند .

\*30درصد پاسخگویان دارای سابقه کار 5تا10سال و 22درصد ایشان دارای سابقه کار 1تا4سال بوده اند .

\*میزان اشنایی پاسخگویان با قوانین مالیاتی به شرح زیر بوده است،23درصد در حد زیادی با قوانین آشنا بوده اند،31 درصد در حد کم با قوانین آشنا بوده اند .و 47درصد پاسخگویان تا حدودی با قوانین آشنا بوده اند .

**یافته های تحقیق**

\*42درصد پاسخگویان عوامل اجتماعی شدن را ارتقای فرهنگ مالیاتی موثر دانسته اند .

\*36 درصد پاسخگویان عوامل برون سازی را در ارتقای فرهنگ مالیاتی موثر دانسته اند .

\*39 درصد پاسخگویان عوامل درون سازمانی را در ارتقای فرهنگ مالیاتی موثر دانسته اند .

\*29 درصد پاسخگویان عوامل فردی را در ارتقای فرهنگ مالیاتی موثر دانسته اند .

در واقع می توان گفت که عوامل اجتماعی شدن بیشترین نقش را در ایفای فرهنگ مالیاتی داشته است .

در مورد تاثیر ارتقای فرهنگ مالیاتی بر افزایش وصولی مالیات ها می توان از آزمون پیرسون استفاده کرد،آزمون همبستگی پیرسون به بررسی وجود رابطه معنی دار و خطی بین دو متغیر فاصله ای می پردازد .فرض صفر در این آزمون عبارت است از عدم وجود رابطه معنی درا و فرض مقابل عبارت است از وجود رابطه معنی دار بین دو متغیر مورد بررسی، در صورتی که سطح معنی داری ازمون کمتر از 0.05 باشد فرض صفر رد شده و با اطمینان 95% می توان گفت رابطه معنی داری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد .اگر مقدار ضریب همبستگی پیرسونمثبت باشد بنابراین رابطه بین دو متغیر مثبت و مستقیم است یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می یابد و اگر علامت ضریب همبستگی منفی باشد یعنی دو متغیر رابطه معکوس دارند،در نتیجه با افزایش یکی کاهش و بالعکس .

**جدول شماره3 .بنظر میرسد میان تاثیر ارتقای فرهنگ مالیاتی و وصولی مالیات ها رابطه وجود دارد.**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| متغیرها | سطح معناداری  | ضریب همبستگی پیرسون |
| ارتقای فرهنگ مالیاتی و وصول مالیاتها | 0.03 | 0.87 |

بنا به اطلاعات حاصله از جدول در فاصله اطمینان 95 درصد معناداری تاثیر ارتقای فرهنگ مالیاتی و وصولی مالیات ها برابر 0.03 است به عبارت دیگر H1تایید و H2ابطال می شودیعنی تاثیر ارتقای فرهنگ مالیاتی و وصولی مالیات ها رابطه معناداری وجود دارد،بنابراین فرضیهمحقق تایید می شودیعنی تاثیر ارتقای فرهنگ مالیاتی بر وصولی مالیات ها رابطه معناداری دارد .با توجه به ضریب همبستگی پیرسون که مثبت و به 1 نزدیک است می توان گفت که این دو متغیر با یکدیگر رابطه مستقیم دارد یعنی با افزایش ارتقای فرهنگ مالیاتی ،وصول مالیات ها آسان تر می شود .

**نتیجه گیری**

هدف از خدمات به مودیان مالیاتی دستیابی وضعیتها در نظام مالیاتی است که پیروی و تمکین از قوانین مالیاتی را برای مودیان به سادگی میسر می سازد تا مودیان بتوانند داوطلبانه به تکالیف و تعهدات قانونی خود عمل کنندودر ای پزوهش تلاش کردیم تا عوامل موثر بر فرهنگ مالیاتی را بیابیم و به بررسی تاثیر این عوامل بر نظام مالیاتی و وصولی مالیات ها بپردازیم .دریافتیم که از میان عوامل موثر بر فرهنگ عوامل اجتماعی شدن بیشترین نقش را داشته اند .در واقع برنامه ریزان در جهت وصولی مالیات ها باید بر عوامل اجتماعی شدن بیش از سایر عوامل تامل کنن و از آن استفاده بهینه نمایند یکی از عوامل اجتماعی شدن در افزایش فرهنگ مالیاتی همکاران صنفی است و اتحادیه های صنفی می توانند با آموزش اعضای خود این روند را هرچه بیشتر پربار نمایند .اتحادیه های صنفی به عنوان مراکز قدرتمند که اعضاری خد را در سیطره اختیار خود دارند می توانند به عنوان ابزاری بسیار قدرتمند وبازوی سازمان امور مالیاتی ایفای نقش کنند .مودیان مالیاتی از اتحادیه های صنفی خود بسیار حرف شنوی دارند و با کار فرهنگی و تقویت مبانی مالیاتی در اتحادیه ها می توان به یک تحول در عرصه مالیاتی رسد .

تشویق و تقدیر از مودیان خوش حساب می تواند دولت را در رسیدن به فرهنگ مالیاتی و به موازات آن در نظام مالیاتی یاری می نماید .بنابراین بهتر است به مودیان خوش حساب بخ عنوان ابزار و سیاست های مالیاتی جهت تشویق استفاده نمود .

التزام به دین نقش موثری در افزایش فرهنگ مالیاتی ایفا می کند با کمک گرفتن از مراجع تقلید و علملای دینی و با برگزاری نشستها و ترتیب دادن سخنرانی های مذهبی در ایجاد باورهای مذهبی –مالیاتی می توان به سمت پر بار کردن فرهنگ مالیاتی حرکت کرد .

از دیگر عوامل تاثیر گذار بر فرهنگ مالیاتی رسانه ها و وسائل ارتباط جمعی (اعم از رادیو،تلویزیون،کتاب،مجله،روزنامه و.....)هستند که با تامین اعتبار مالی در جهت تهیه برنامه هایی با محوریت مالیات می توان نقش بسزایی در این عرصه ایفا کرد .

**منایع:**

* ملا نظری ، مهناز، (1395)،فرهنگ سازمانی و تمکین مالیاتی شرکتی 0مطالعه موردی:اداره کل امور مالیاتی مودیان بزرگ)،مینا ابوحمزه،محمد مهدی میرزایی عباس آباد.
* اوناله جی،دی (1385)،توسعه عملکرد کیفی (QFD)،آرزو گودرزی،هجر کاظمی .
* بابایی،النا(1380)،در جایگاه مالیات ارزش افزوده در تحول نظام مالیاتی کشور پژوهشهای اقتصادی .
* باطانی،امیر،بررسی(1385)،عوامل موثر بر اثر بخشی اجرای طرح مالیات بر ارزش افزوده با رویکرد آموزش منابع انسانی (پایان نامه کارشناسی ارشد)
* رضایی،نفیسه(1387)،ارتقاءرضایتمندی مشتریان خدمات درمانی با استفاده از مدل .
* ریچارد در ابعاد اجرای اصلاح مالیاتی ترجمه مریم حدادی .
* صادقی،فاطمه(1382)،آثار تورمی و درآمدی بر ارزش افزوده در ایران (پایان نامه کارشناسی ارشد)دانشگاه علوم اجتماعی اقتصادی،دانشگاه الزهراء(س).
* مهندس ابوطالب ((مالیه عمومی ))وزارت امور اقتصادی و دارایی و اندازه گیری و نگاهی بر مشکلات نظام مالیاتی )).